

تفاوت‌هایی بین امارات و اصول عملیه، کاربردها و چالش‌ها



□ محمدعیسی دانش **

چکیده

در علم اصول فقه دو مفهوم اماره و اصول عملیه، به عنوان ابزارهای مهم در فرایند استنباط احکام شرعی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این دو مفهوم هرچند که در ظاهر به طور مشابه به کار می‌روند، اما تفاوت‌های بنیادی در ماهیت و کاربرد آن وجود دارد. اماره‌ها نشانه‌های ظنی هستند که برای اثبات واقعیت‌ها یا احکام شرعی به کار می‌روند. در حالی که اصول عملیه قواعدی هستند که در شرایط شک و تردید برای تعیین تکلیف شرعی فرد مکلف به کار می‌رود. در این مقاله به منظور بررسی دقیق‌تر تفاوت‌های این دو مفهوم، ابتدا به تعریف و شرح هرکدام پرداخته و سپس با توجه به منابع فقهی و اصولی مقایسه دقیق میان این دو ابزار ارائه خواهد شد. در مقاله حاضر با بررسی دقیق این دو مفهوم، مبانی و کارکردهای هریک به تحلیل تفاوت‌های نظری و کاربردی میان این دو مفهوم پرداخته و دیدگاه‌های مختلف علما را در این زمینه و همچنین چالش‌هایی که این با آن‌ها روبه‌رو هست، ارائه می‌دهد.

در نهایت، بررسی‌های صورت گرفته در این مقاله نشان می‌دهد که هریک از این دو مفهوم نقش ویژه در استنباط و اجرای احکام شرعی دارند. به این معنا که امارات برای اثبات واقعیات و احکام شرعی و فقهی، و اصول عملیه برای رفع شک و تردید در احکام شرعی به کار می‌رود. این تفاوت‌ها بر اساس شرایط خاص فقهی و مسئله‌گرایی در فقه اسلامی تعیین می‌شود و همچنین این تحقیق بر اهمیت جایگاه هریک در نظام فقهی تأکید کرده و تلاش می‌کند تا تصویر جامع از تعامل این دو ابزار در فرایند اجتهاد ارائه دهد.

کلیدواژه‌ها: اصل، امارات، اصول عملیه، قطع، حکم ظاهری و استنباط حکم.

* تاریخ وصول: ۱۴۰۳/۱۱/۲۰، تاریخ تصویب: ۱۴۰۳/۱۲/۱۲.

** اتمام سطح چهار مجتمع آموزش عالی فقه - جامعة المصطفیٰ ﷺ العالمیه (mohammadissadanesh6@gmail.com).

مقدمه

فقه اسلامی به عنوان مجموعه‌ای از دانش‌های مذهبی که به استخراج احکام شرعی از منابع دینی پرداخته و پایه‌گذار تکالیف عملی مسلمانان است و همواره از پیچیدگی‌هایی برخوردار بوده است. برای استنباط احکام شرعی، علمای دین از ابزارهای مختلفی استفاده می‌کنند که برخی از این ابزارها، مانند: اماره و اصول عملیه، به طور ویژه در شرایطی که دلیل قطعی در دسترس نیست، کاربرد دارند.

در علم اصول فقه، تفاوت‌های اساسی میان امارات و اصول عملیه وجود دارد. هرکدام از این دو ابزار در موقعیت‌های خاصی به کار می‌رود.

امارات، دلایل یا نشانه‌هایی هستند که به کشف واقعیت منجر می‌شوند و اصول عملیه، قواعدی هستند در شرایط شک و عدم دلیل قطعی به کارفته می‌شوند.

هرچند هر دو در مسیر اجتهاد و استنباط حکم نقش دارند، اما تفاوت‌های بنیادین در مبنا، ماهیت و کاربرد آنها وجود دارد. این تفاوت‌ها از یک سو به ماهیت ادله و از سوی دیگر به شرایط استفاده از آنها برمی‌گردد.

در این مقاله به طور ویژه به مقایسه و تحلیل این دو مفهوم پرداخته شده و تفاوت‌های آنها در زمینه‌های مختلف فقهی بررسی خواهد شد. بررسی کاربردهای این دو ابزار و تأثیر آنها در استنباط احکام شرعیه می‌تواند درک بهتری از روند استنباط احکام در علم اصول فقه به دست بدهد.

پیشینه امارات و اصول عملیه

تاریخچه امارات

امارات در فقه اسلامی از دیرباز برای استنباط و کشف احکام شرعی به کار رفته است. در آغاز، امارات بیشتر بر اساس قرآن و سنت نبوی و اجماع امت استوار بوده.

اما گسترش مسائل فقهی و پیچیدگی‌هایی که در جامعه اسلامی ایجاد شد، فقیهان مجبور شدند امارات جدیدتری به منظور استنباط احکام به کار ببرند.

در قرون اولیه اسلام، امارات عمدتاً شامل شهادت، قسم، و بینه بودند. در قرن‌های بعد، و با پیشرفت علم اصول و فقه، اماراتی همچون ظاهر حال و قرعه (بنا بر نظر بعضی) به فقه اضافه شدند. در این دوره فقیهان به ویژه در پاسخ به مسائل اجتماعی و خانوادگی، از امارات برای اثبات واقعیت‌ها و احکام استفاده کرده‌اند.

اما با پیشرفت بشر در صنعت و تکنولوژی، امارات و نشانه‌های بیشتری به وجود آمده و مورد کاربرد و استفاده علمای فقه و اصول در راستای کشف احکام واقعی استنباط احکام شرعی مخصوصاً در محاکم قضایی و دعاوی حقوقی، قرار گرفته است.

این امارات عبارت است از: اثر انگشت، عکس‌ها، فیلم‌ها، آزمایش‌های گوناگون، از قبیل آزمایش خون، و آزمایش دی‌ان‌ای؛ و همچنین نمونه‌برداری‌های گوناگون دیگر از اجساد که این‌ها به نوبت خودشان امارات و نشانه‌های قابل توجهی هست که در راستای کشف واقعیت‌های قانونی و همچنین در جهت استنباط احکام شرعی به فقها و مراجع ذی صلاح کمک‌های زیادی می‌کند.

تاریخچه اصول عملیه

اصول عملیه به ویژه پس از شکل‌گیری متون فقهی و به منظور حل مشکلات عملی فقهی در شرایط شک و تردید شکل گرفته و به عنوان اصول اساسی در فقه شیعه توسعه یافته و با توجه به پیچیدگی‌های موجود در جوامع اسلامی، به منظور ایجاد تسهیل در تصمیم‌گیری‌های فقهی و حل مشکلات در شرایط تردید ایجاد گردیده است که با نبودن ادله قطعی و همچنین با دسترسی نداشتن به ادله غیر علمی از قبیل امارات، اصولیه عملیه بسیاری از مشکلاتی را که مراجع و به طور کلی مکلفین را دچار سردرگمی مطلق نموده، از حیرت و نگرانی بیرون آورده و موجبات حل بسیاری از مشکلات شرعی را فراهم نموده است.

اهمیت تفاوت‌ها بین امارات و اصول عملیه در نتیجه گیری

شناخت دقیق تفاوت‌های میان امارات و اصول عملیه به فقیهان و محققان علوم اسلامی کمک می‌کند تا در فرایند اجتهاد با دقت و صحت بیشتری عمل کنند. این تفاوت‌ها به فقیه اجازه می‌دهند تا در شرایط مختلف، ابزار مناسب را انتخاب نموده و به نتیجه مطلوب دست یابد. همچنین، این تفاوت‌ها می‌تواند در توسعه و بهبود روش‌های استنباط احکام شرعی نقش مهمی ایفا کرده و از سردرگمی و اشتباه در فرایند اجتهاد جلوگیری نماید.

مفهوم‌شناسی

۱. تعریف اصل

۱-۱. معنای لغوی

برای بیان معانی کلمه اصل، باید آن را از نظر لغوی و اصطلاحی بررسی کنیم. در ادامه به چند معنای اصل اشاره می‌کنیم.

۱. در لغت، اصل به معنای بنیاد، ریشه، پایه و مبنا است (دهخدا، ۱۳۷۷).

۲. در زبان عربی، اصل از ماده (أَصَلَ) به معنای استوار و برقرار کردن چیزی است (معجم الوسیط، ۱۹۹۸).

۲-۱. معنای اصطلاحی

۱. فلسفه

در فلسفه، اصل، به مفهومی اشاره دارد که بنیان و اساس استدلال‌های منطقی و هستی‌شناسی است. به عبارتی، اصلی‌ترین و بنیادی‌ترین عنصر تشکیل‌دهنده یک نظام فکری است (مطهری، ۱۳۶۵).

۲. حقوق

اصل در حقوق به قواعدی کلی و بنیادین اشاره دارد که سایر قوانین و مقررات باید بر اساس آن تنظیم شود. مانند اصل برائت (کاتوزیان، ۱۳۸۶).

۳. علمی

در علوم، اصل به یک قاعده کلی و یا قانونی گفته می‌شود که نتیجه آن از طریق مشاهده یا تجربه اثبات شده است. مانند اصل ارشمیدس در فزیک (گالیله، ۱۶۲۳).

۴. عرفانی

در عرفان، اصل به ذات الهی و یا حقیقت مطلق اشاره دارد که همه چیز از آن نشأت می‌گیرد و به سوی آن باز می‌گردد. مولانا در مثنوی می‌گوید: اصل ما از حق و سوی او روان (مولوی، ۱۳۸۱).

۵. معنای ادبی

در ادبیات، اصل به نسخه اولیه و دست‌نویس گفته می‌شود، مانند اصل یک کتاب خطی که مبنای نسخه‌های دیگر است (زرین‌کوب، ۱۳۸۷).

۶. معنای عمومی

در زبان روز مره، اصل به معنای چیزی که حقیقی و غیر تقلبی است به کار می‌رود، مانند اینکه گفته شود این کالا اصل است.

۲. تعاریف اصول عملیه

- رای اصول عملیه نیز معانی بیان شده است که اختصاراً به تعداد از آن‌ها ذیلاً اشاره می‌کنیم:
۱. قواعدی که در صورت فقدان دلیل معتبر برای اثبات حکم شرعی، برای تعیین وظیفه مکلف وضع شده است (مظفر، ۱۴۳۰: ۲).

۲. اصول عملیه قواعدی هستند که در صورت جهل به حکم واقعی، برای تعیین حکم ظاهری به کار می‌رود (خویی، ۱۴۱۳: ۲).
 ۳. وظایف عملی که شارع برای مکلفین در موارد شک تشریع کرده است، بدون آنکه کشف از واقع داشته باشد (اصفهانی، بی تا: ۳).
 ۴. اصول عملیه، به قواعدی گفته می‌شود که در مواقع شک و تردید در حکم شرعی مورد استفاده قرار می‌گیرد.
- هدف اصلی اصول عملیه رفع شک و تعیین وظیفه مکلف در غیاب دلیل قطعی است که ذیلاً بیان می‌شود.
- این اصول شامل چهار نوع است: اصل استصحاب، اصل برائت، اصل احتیاط، و اصل تخیر (خمینی، ۱۴۰۶: ۱).

۱. اصل برائت

- قاعده برائت در مواردی به کار می‌رود و یا به عبارت دیگر جریان قاعده واصل برائت در مواردی هست که مکلف شک دارد که آیا تکلیفی بر دوش او هست یا نه و یا به عبارت دیگر، موضوع اصل برائت شک در تکلیف هست؟
- در این گونه موارد اصل برائت جاری شده می‌گوید: که فرد مکلف از تکلیفش رها است؛ تا زمانی که دلیل قطعی برای اثبات تکلیف او پیدا شود.
- بنابراین اصل برائت عبارت است از:
۱. حکم عقلی بر عدم استحقاق عقاب بر انجام فعلی که حکمش مشکوک هست (برائت عقلیه).
 ۲. حکم شارع به عدم تکلیف فعلی و یا حکم شارع به اباحه و رخصت فعل و یا ترک آن در صورت شک در حکم واقعی (برائت شرعیه) (ولایی، ۱۳۸۶: ۴۴).

۲. اصل احتیاط

قاعده احتیاط، زمانی جاری می‌شود که مکلف در شک و تردید هست و به عبارت دیگر، فرد

می‌داند که تکلیفی دارد ولی در مکلف به شک دارد؛ فلذا باید از هر نوع احتمالی که ممکن است اشتباه در آن وجود داشته باشد، اجتناب نماید، فلذا علمای اصول فرموده‌اند که تکلیف یقینی مستلزم برائت یقینی هست.

بنابراین، احتیاط عبارت است از: حکم شارع به انجام دادن آنچه که احتمال وجوبش می‌رود و ترک نمودن آنچه که احتمال حرمتش می‌رود. فلذا موضوع احتیاط فعل مشکوک الوجوب و الحرمة و محمول آن وجوب فعل و یا ترک آن هست (همان: ۴۰).

۳. اصل استصحاب

این قاعده بر اساس اصل بقای وضعیت قبلی هست. به عنوان مثال اگر فردی به طور قطعی از طهارت خود اطلاع دارد، ولی اگر شک کند که طهارتش از بین رفته یا نه، بر اساس قاعده استصحاب، او همچنان به طهارت خود اعتقاد خواهد داشت تا زمانی که دلیل قطعی برای نقض آن وجود داشته باشد.

۴. اصل تخییر

قاعده تخییر عبارت است از: حکم عقل به مخیر بودن مکلف بین انجام دادن فعلی و یا ترک آن و یا مخیر بودن مکلف بین انجام دادن یکی از دو فعلی که امکان احتیاط در آن وجود نداشته باشد (همان: ۴۸).

نکته‌ای که ذکرش لازم هست این است که فلسفه جریان اصول عملیه در سه امر خلاصه می‌شود:

۱. فقدان نص و دلیل بر انجام و یا ترک فعل مکلف.

۲. اجمال نص و دلیل.

۳. تعارض دونص، یا نصوص.

ویژگی‌های اصول عملیه

۱. کلی بودن

اصول عملیه به طور کلی برای رفع شک و تردید در زمینه‌های مختلف فقهی به کار می‌رود.

۲. موقتی بودن

اصول عملیه به طور موقت و در شرایط خاص کاربرد دارد و زمانی که دلیل قطعی برای حکم شرعی پیدا شود، اعتبار خود را از دست می‌دهد.

۳. کمک به عمل به تکلیف

اصول عملیه به شخص مکلف کمک می‌کند که در شرایط شک و تردید وظیفه خودش را تعیین کند. به عبارت دیگر مکلف به واسطه جاری نمودن یکی از اصول عملیه در صورت شک وظیفه‌اش روش و معین می‌گردد.

تعریف امارات

۱. اماره در لغت

امارات نیز به نوبه خود دارا معانی گوناگونی هست که ذیلاً و به طور اختصار به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. الأمانة: هي التي يلزم من العلم بها الظن بوجود المدلول، كالغيم بالنسبة إلى المطر فإنه يلزم من العلم به الظن بوجود المطر (ابن نجم، ۱۴۲۵).

ابن نجم در تعریف اماره می‌گوید: اماره عبارت است از چیزی که از علم به آن، ظن و گمان به وجود مدلول لازم بیاید، مثل ابر نسبت به باران که از علم به وجود ابر گمان به باریدن باران لازم می‌آید.

۲. تعریف دیگر این است که اماره در لغت به معنای نشانه و علامت است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳۳/۴).

۲. اماره در اصطلاح

۱. امارات به مجموعه‌ای از دلایل اطلاق می‌شود که شارع آن‌ها را برای کشف واقع معتبر شمرده است.
- امارات شامل ادله ظنی همچون خبر واحد، ظواهر الفاظ و سیره عقلا می‌شود حجیت این دلایل یا ذاتی هست و یا توسط شارع تأیید شده است (مظفر، ۱۴۱۵: ۱).
۲. اماره به معنای نشانه یا دلیل ظنی است که حجیت آن به طور مستقیم از سوی شارع مورد تأیید قرار گرفته است، این ابزارها برای کشف واقعیت، در حوزه‌های مانند قضاوت، معاملات، و دعاوی حقوقی مورد استفاده قرار می‌گیرد (خویی، ۱۳۹۷).
۳. در اصطلاح اصولیین اماره مرادف است با کلمه حجّت (ملکی، ۱۳۷۹).
- و همچنین به اماره حجّت، دلیل و طریق نیز گفته می‌شود.
- البته مراد از حجّتی که در این جا مورد نظر ما هست حجّت در اصطلاح اصولیین می‌باشد که عبارت از: هر چیزی است که شیء دیگری را کشف می‌کند و حاکی از آن است و مثبت آن شیء دیگر است (مظفر، ۱۴۱۵: ۲)؛ الاصول العامة، با تلخیص.
- به عبارت دیگر: حجّت یا اماره چیزی است که موجب ظن معتبر شده و کاشف و حاکی از واقع باشد و شارع آن را معتبر کرده باشد، مانند خبر واحد، ظواهر و... (ملکی، ۱۳۷۹).
۴. تعریف دیگری که از اماره شده است این است که اماره در اصطلاح آن دسته از دلایلی‌اند که شارع به دلیل کاشفیت نوعیه از واقع، روی آنها صحه گذاشته است و آنها را حجّت قرار داده است (ولایی، ۱۳۸۶).
۵. تعریف دیگری که برای اماره شده این است که مرحوم مظفر، صاحب کتاب اصول فقه می‌فرماید:

وانما مدلول الامارة الحقیقی، هو کلّ شیء اعتبره الشارع لأجل أن يكون سببا للظن كخبر الواحد و الظواهر (مظفر، همان: ۲).

امارة حقیقی طبق تعبیر مرحوم مظفر، عبارت است از هر چیزی که شارع مقدس به او اعتبار بخشیده و حجت قرار داده بخاطر این که سبب برای ظن به چیزی دیگری شود، مثل خبر واحد و ظواهر چه ظواهر آیات و چه ظواهر روایات که این دو اعتبارشان به خاطر این است گرچه این ها علم آور نیست ولی به خاطر این که ظن آور هست حجت و معتبر است.

۶. تعریف دیگر اماره این است که:

و هی المجمعول فی حقّ الجاهل بالواقع بلحاظ الکاشفیه الذاتیه عن الواقع کاشفیه ناقصة. (المشکینی) (حسینی ۱۴۱۵).

اماره چیزی است که در حق مکلف جاهل به حکم واقعی جعل شده به لحاظ اینکه اماره جنبه کاشفیت ذاتی از واقع دارد، اما نه به نحو تام و تمام بلکه کاشفیت اماره از واقع به نحو کشف ناقص هست.

به عبارت دیگر چون اماره ولو به نحو ناقص کاشف از واقع هست مع ذالک شارع مقدس به آن اعتبار و حجت بخشیده است.

توضیحی که در این جا لازم است عبارت از این است که ما دو نوع کشف از واقع داریم: الف) کشف تام از واقع؛ مثل علم و قطع و دلیل مثل مواردی که ما توسط ادله قطعیه علم به واقع پیدا کنیم.

ب) کشف ناقص از واقع؛ مثل همین اماره و مثل مواردی که انسان دسترسی به علم نداشته باشد تنها یک سری امارات و علامت ها و نشانه هایی وجود دارد که موجب ظن و گمان به واقع می شود و امارات از این دسته هست یعنی کاشفیت ناقص از واقع دارد به این معنا که موجب علم به واقع نمی شود، بلکه با این امارات انسان ظن و گمان به واقع پیدا می کند.

ویژگی‌های امارات

۱. ظنی بودن

بر خلاف ادله قطعی که اطمینان کامل به صحت آن‌ها وجود دارد، امارات همواره ظنی هستند. به عبارت دیگر مهم‌ترین تفاوت دلیل قطعی و اماره در ظنی بودن آن هست.

۲. کاربرد در اثبات واقعیت‌ها

امارات به عنوان دلیل برای اثبات وقوع یک واقعه یا وضعیت خاص در فقه به کار می‌رود. مثلاً: برای اثبات یک جرم که صورت گرفته از اماراتی که نشان‌دهنده وقوع آن جرم هست بهره‌برداری می‌شود مثل: اثر انگشت و مانند آن.

۳. استفاده از شواهد ظاهری

امارات در بسیاری از مواقع به عنوان شواهد ظاهری و غیر قطعی در نظر گرفته می‌شود که برای اثبات یک واقعیت فقهی به کار می‌رود.

تفاوت‌های کاربردی امارات و اصول عملیه

کاربرد امارات و حجیت آن در استنباط احکام

امارات در شرایطی به کار می‌رود که دلیل ظنی ولی معتبر برای کشف حکم واقعی وجود داشته باشد. برای مثال خبر واحد به عنوان یکی از مهم‌ترین مصادیق امارات، از دیرباز در استنباط احکام مورد توجه فقها بوده است (انصاری، ۱۳۷۳). همچنین ظهورات الفاظ قرآن و حدیث به عنوان ابزارهای برای فهم مقصود شارع به شمار می‌روند (صدر، ۱۳۹۶).

کاربرد اصول عملیه و نقش آن در رفع شک

اصول عملیه زمانی کاربرد دارد که هیچ دلیلی برای حکم واقعی در دسترس نباشد و مکلف در

حالت شک قرار گیرد. به عبارت دیگر اصول عملیه در مواقعی که با شک در تکلیف مواجه هست، به کار می رود. این اصول به فقیه اجازه می دهد تا با استفاده از قواعد عقلایی یا نصوص شرعی عمومی، وظیفه عملی را تعیین کند و در نتیجه از سر درگمی و اشتباه اجتناب نماید.

مثال های عملی از استفاد از امارات و اصول عملیه

به عنوان مثال، فرض کنید فقیه در مورد احکام مربوط به روزه ماه رمضان شک دارد. اگر اماراتی قطعی وجود داشته باشد که حکم روزه را واجب اعلام کند، فقیه می تواند از آن برای استخراج حکم واقعی استفاده کند.

اما اگر چنین اماره ای وجود نداشته باشد و فقیه با شک در وجوب روزه مواجه شود، می تواند از اصول عملیه برای تعیین وظیفه عملی استفاده نماید و نتیجه گیری کند. اما مثال های اصول عملیه:

اصل استصحاب: حکم به بقای وضع سابق در صورت شک در تغییر آن هست (انصاری، ۱۳۷۳).

اصل براءت: نفی تکلیف در صورت شک در وجود آن (خمینی، ۱۴۰۹: ۲).

اصل احتیاط: انتخاب راهی که منجر به یقین در برآورده شدن تکلیف شود.

اصل تخییر: اختیار یکی از دو یا چند راه در مواردی که هیچ یک رجحان نداشته باشد (مظفر،

۱۴۱۵: ۲).

تفاوت های مفهومی میان امارات و اصول عملیه

۱. تفاوت در مبانی

یکی از تفاوت های اصلی امارات و اصول عملیه، مبنای حجیتی آنهاست. به این معنا که امارات بر اساس دلایل ظنی و حجیتی که از طرف شارع به آن ها داده شده و شارع آن ها را تأیید نموده معتبر هست، و به عبارت دیگر اگر عموم ادله شامل امارات هم بود مثل علم و علمی در این صورت حجیت امارات ذاتیش هست چه اینکه حجیت قطع و علم ذاتیش هست و اگر ادله

شامل امارات نشود در این صورت باید اعتبار و حجیتش از طرف شارع تأیید گردد تا مورد استفاده فقها در راستای استنباط و کشف احکام واقعی قرار بگیرد.

اما اصول عملیه صرفاً جنبه عملی دارد و برای رفع تحیر و حیرت مکلف در شرایط شک طراحی شده‌اند (امام خمینی، ۱۴۰۹: ۱).

توضیح بیشتر این که اصول عملیه براساس قواعد عقلایی یا نصوص شرعی عمومی شکل می‌گیرد و به عنوان قواعد کلی برای رفع شک و تعیین تکلیف و وظیفه عملی در شرایط عدم قطعیت مطرح می‌شود.

۲. تفاوت در هدف

امارات به کشف واقع می‌پردازند، در حالی که اصول عملیه وظیفه مکلف را در صورت فقدان دلیل تعیین می‌کند (صدر، ۱۳۹۸).

توضیح بیشتر این که هدف اصلی امارات کشف حکم واقعی و استخراج احکام شرعی هست. این امر به فقیه اجازه می‌دهد تا بدون نیاز به استنباط از منابع دیگر، حکم واقعی و قطعی را استخراج کند.

در مقابل، اصول عملیه به فقیه کمک می‌کند تا در مواقعی که نمی‌تواند به دلیل قطعی دست یابد، وظیفه عملی را تعیین کند.

۳. تفاوت در زمان استفاده

امارات در صورت وجود ظن معتبر به کار می‌رود. اما اصول عملیه در شرایطی که هیچ دلیلی وجود ندارد مورد جریان قرار می‌گیرد.

به عبارت دیگر، از منظر عملی امارات زمانی به کار گرفته می‌شود که فقیه با دلایل معتبر روبه‌رو باشد، مثلاً ظهور الفاظ قرآن.

اما اگر هیچ دلیلی در دسترس نباشد، مانند عدم یافتن دلیل بر وجوب و یا حرمت یک عمل، اصول عملیه به عنوان ابزار جایگزین استفاده می‌شوند (انصاری، ۱۳۷۳).

دیدگاه‌های علما

۱. اصولیون

برخی از اصولیون نظیر مرحوم شیخ انصاری، بر تفاوت بنیادین میان حجیت امارات و اصول عملیه تأکید کرده‌اند. او معتقد است که امارات با واقعیت ارتباط دارد، اما اصول عملیه صرفاً به عنوان قواعدی برای تعیین تکلیف عملی طراحی شده‌اند (انصاری، ۱۳۷۳).

۲. دیدگاه اخباریون

اخباریون اغلب اصول عملیه را بر امارات مقدم می‌دارند و معتقدند که استفاده از اصول عملیه باعث کاهش احتمالات خطا در استنباط احکام می‌شود. آنها بر این باورند که امارات به دلیل ظنی بودن، قابلیت اطمینان کامل ندارند و نباید در کشف واقع به آنها اعتماد شود (بحرانی، ۱۴۰۶: ۳).

۳. دیدگاه اصولیون سنتی یا متقدمین

اصولیون سنتی و یا به تعبیر مشهور متقدمین معمولاً تقدم امارات بر اصول عملیه را بدیهی می‌دانستند و دلیل آن را این‌گونه بیان می‌کردند:

امارات گرچه ظنی هستند اما به دلیل حجیت شرعی که دارند نوعی کاشفیت از واقع دارد. اصول عملیه، تنها در حالت شک واقعی به کار می‌رود و تا زمانی که دلیل ظنی (اماره) وجود داشته باشد، نوبت به اصول عملیه نمی‌رسد. در نتیجه امارات از باب کاشفیت و ترجیح بر شک اصولی مقدم بر اصول عملیه هست.

۴. دیدگاه متأخرین

علمای متأخرین، خصوصاً از زمان شیخ انصاری به بعد (مانند آخوند خراسانی، میرزای نائینی و امام خمینی)، بحث تقدم امارات بر اصول را با دقت و جزئیات بیشتری بررسی کردند و این تقدم را نه صرفاً از باب کاشفیت، بلکه از باب حکومت و ورود، بنابر اختلاف موجود بین اینها، تحلیل کردند.

از باب حکومت: یعنی دلیل حجیت امارات، دلیل حجیت اصول را محدود می‌کند، مثلاً: وقتی شارع خبر ثقه را حجت قرار می‌دهد، در واقع می‌گوید: اگر خبر ثقه‌ای داشتی، نباید به اصول عملیه مراجعه کنی. پس اماره حکومت بر اصل دارد.

از باب ورود: اما اگر دلیل حجیت امارات موجب رفع شک شود، اساساً موضوع اصول عملیه منتفی می‌شود. یعنی دیگر شک باقی نمی‌ماند که بخواهیم سراغ اصول عملیه برویم.

نظر امام خمینی: ایشان، ترکیب میان این دو رویکرد اشاره کرده‌اند. از نظر ایشان امارات و اصول عملیه هر دو در راستای تعیین تکلیف مکلف عمل می‌کنند، اما نقش آن‌ها مکمل یکدیگر است. ایشان تأکید دارند که امارات به کشف واقع نزدیک‌تر است، اما اصول عملیه زمانی به کار می‌روند که فقیه دچار حیرت شود (خمینی، ۱۴۰۹: ۱).

جمع‌بندی تفاوت‌ها

موضوع دیدگاه علما سنتی (متقدمین) دیدگاه علمای متأخر

دلیل تقدم امارات بر اصول کاشفیت از واقع و ظن معتبر حکومت و یا ورود امارات بر اصول نقش اصول عملیه در صورت فقدان دلیل شرعی (حتی امارات) اصول عملیه فقط در صورت نبودن امارات کاربرد دارد

شیوه تحلیل ساده و مبتنی بر حجیت شرعی دقیق‌تر و با بررسی نسبت میان دلیل اماره و دلیل اصول عملیه

نقد این دیدگاه‌ها

۱. نقد دیدگاه برخی علمای اصولی

علامه حلی معتقد است که اصول عملیه در جایی که ادله اجتهادی وجود ندارد، به عنوان راه حل نهایی کاربرد دارند.

اما، ایشان امارات را ابزارهایی برای کشف واقعیت و اصول عملیه را ابزاری برای تعیین تکلیف عملی می‌داند.

در واقع این دیدگاه بر خلاف نظر امام خمینی بر تفکیک کامل میان این دو تأکید دارد.

توضیح تفاوت نظر مرحوم امام خمینی با مرحوم علامه:

مرحوم امام خمینی در واقع اصول عملیه را گویا در طول امارات قرار داده به این معنا که برای اثبات حکم شرعی اول دلیل اجتهادی یعنی همان ادله قطعی و علمی، بعد از آن یعنی با عدم وجود ادله قطعی، نوبت به ادله ظنی مانند امارات می‌رسد و در آخر هم جایگاه اصول عملیه هست.

اما علامه حلی هیچ ارتباطی بین این دو قائل نیست و هریک را مستقل و جدایی از دیگری می‌داند به این معنا که امارات مربوط به کشف واقع هست ولی اصول عملیه مربوط به رفع تحیر مکلف در مقام عمل!.

در نتیجه: در اصل تقدم امارات بر اصول تمام علما متفق القولند، تفاوت، تنها در نحوه تقدم است.

۲. نقد دیدگاه اخباریون

اخباریون معتقد بودند که اصول عملیه در تمام موارد شک باید بر امارات باید مقدم باشد، اما این دیدگاه توسط اصولیون مورد نقد قرار گرفته است. زیرا اصولیون استدلال می‌کنند که اصرار بر کاربرد اصول عملیه باعث می‌شود بسیاری از دلایل ظنی معتبر نادیده گرفته شود (بحرانی، ۱۴۰۶: ۳).

تحلیل تطبیقی: امارات و اصول عملیه در عمل

در عمل، فقیه در ابتدا به سراغ امارات می‌رود و تلاش می‌کند با استفاده از دلایل معتبر مانند اخبار آحاد یا ظهور الفاظ، واقع را کشف کند. اگر هیچ اماره‌ای در دسترس نباشد، به اصول عملیه رجوع می‌کند. به عنوان مثال:

در مسئله‌ای مانند شک در بقای نجاست یک شیء، اگر دلیل ظنی برای طهارت وجود نداشته باشد، اصل استصحاب حکم به بقای نجاست می‌دهد. اما در مقابل، اگر دلیلی بر طهارت ظنی وجود داشته باشد، فقیه بر اساس اماره عمل خواهد کرد.

مقایسه تطبیقی امارات و اصول عملیه در زمینه‌های خاص

در این بخش، تفاوت‌های امارات و اصول عملیه از منظر تطبیقی در زمینه‌های مختلف بررسی می‌شود.

۱. در استنباط احکام مالیاتی

امارات به دلیل وجود حکم قطعی در برخی موارد مالیاتی، می‌تواند به عنوان دلایل مستقیم برای استخراج احکام مالیاتی به کار رود. اما در مواردی که حکم قطعی وجود ندارد، اصول عملیه مانند اصل برائت می‌تواند برای تعیین وظیفه عملی مورد استفاده قرار بگیرد.

۲. در مسائل اجتماعی و حقوقی

در مسائل مربوط به حقوق خانواده، امارات می‌تواند به عنوان دلایل مستقیم برای استخراج احکام شرعی در نظر گرفته شود. اما در مواردی که اختلاف و شک وجود دارد، اصول عملیه می‌تواند به فقیه کمک کند تا وظیفه عملی شخص را تعیین نماید.

۳. در حوزه‌های جدید و نوظهور

با ظهور مسائل جدید مانند حقوق سایبری و فناوری‌های نوین، ممکن است امارات قطعی برای استخراج احکام وجود نداشته باشد. در این موارد، اصول عملیه می‌تواند به عنوان قواعد کلی برای تعیین وظیفه عملی به کار رود.

چالش‌های امارات و اصول عملیه

چالش‌های مرتبط به امارات

۱. ظنی بودن حجیت امارات

بسیاری از امارات مانند خبر واحد یا ظهورات لفظی دارای حجیت ظنی هستند؛ به این معنا که حجیتشان ذاتی‌شان نیست، بلکه با تأیید و اعتبار شارع حجیتشان را به دست آورده است. فلذا این موضوع باعث شده که برخی علما نسبت به اطمینان به این ادله تردید داشته باشند. به ویژه اخباریون معتقدند که ظنی بودن امارات ممکن است منجر به اشتباه در استنباط احکام شوند (بحرانی، ۱۴۰۶: ۱).

۲. تعارض میان امارات

یکی از چالش‌های مهم دیگر امارات، وقوع تعارض میان امارات است. به عنوان مثال، دو روایت متعارض که هر دو از لحاظ سند معتبرند ممکن است فقیه را در انتخاب حکم نهایی دچار سردرگمی کنند. برای رفع این تعارض، باید به مرجحات باب تعارض و قواعدی مانند تخییر و ترجیح احدالطرفین مراجعه کند.

اما این قواعد نیز اشکالات و چالش‌های خاص خود را دارند (انصاری، ۱۳۷۳).

۳. لزوم بررسی دقیق سند و دلالت

صحت حجیت امارات وابسته به دقت در بررسی سند و دلالت است. که این کار خودش فرایند زمانبر و پیچیده است که ممکن است منجر به اختلاف نظر میان فقها شود. چه این که وقوع موارد اختلاف میان فقها در رابطه به حجیت روایتی مثلاً چه از حیث سند و چه از حیث دلالت بسیار زیاد هست.

چالش‌های مرتبط با اصول عملیه

۱. عدم کشف واقع

اصول عملیه ابزارهایی برای تعیین تکلیف در شرایط شک هستند، اما توانایی کشف واقع را ندارند. این امر باعث می‌شود که حکم مستنبط از اصول عملیه گاهی با واقعیت شرعی تطابق نداشته باشد. و به عبارت دیگر اصول عملیه تنها در تعیین تکلیف عملی مؤثر است و به هیچ وجه نمی‌تواند واقعیت شرعی را کشف کند (صدر، ۱۳۹۸ق).

۲. تعریف دقیق شرایط کشف

به کارگیری اصول عملیه منوط به تعریف دقیق شرایط شک است. در برخی موارد، تشخیص این که آیا مورد خاص در حوزه شک قرار می‌گیرد یا نه؟ خود چالشی است. در این زمینه مرحوم امام خمینی (خمینی، ۱۴۰۹: ۲) بیان می‌کند که یکی از چالش‌های اصلی در اصول عملیه، تعیین صحت و شرایط شک هست که ممکن است موجب ایجاد اختلاف در تعیین تکلیف فقهی شود.

۳. تنوع اصول عملیه و اولویت‌بندی آنها

گاهی مشخص نیست کدام اصل باید مقدم شود. به عنوان مثال، در تعارض میان اصل استصحاب و اصل احتیاط، تعیین اولویت ممکن است اختلاف‌برانگیز باشد. طبق فرمایش مرحوم شیخ انصاری (۱۳۷۳) اولویت میان اصول عملیه در موارد تعارض ممکن است به راحتی مشخص نشود و در نتیجه فقیه نیاز به استنباط دقیق‌تر و اجتهادی دارد.

۴. تعارض اصول عملیه با امارات

در برخی موارد، ممکن است فقهی دچار تعارض میان امارات و اصول عملیه شود. به عنوان مثال، اگر اماره‌ای وجود داشته باشد که با اصل استصحاب در تعارض باشد، تعیین تقدم یکی بر دیگری به سادگی امکان‌پذیر نیست (بحرانی، ۱۴۰۶: ۳). فلذا این مطلب به این نکته اشاره

دارد که در موارد تعارض این دو ابزار استنباط، فقیه باید از قواعد مانند تفسیر دلیل یا عمل به اقوی استفاده کند.

۵. تزامم اصول عملیه با امارات و دلایل تقدم آن بر اصول عملیه

اگر امارات با اصول عملیه تزامم پیدا کند قطعاً اماره مقدم است؛ و تقدم اماره بر اصول عملیه در فقه و اصول فقه از مسائل کلیدی هست.

توضیح تعارض و تزامم امارات با اصول عملیه و فرق بین آن دو:

تعارض عبارت است از تنافی دو دلیل و یا تنافی مدلول دو دلیل بنا بر اختلاف بین علمای اصولی، در مقام جعل به این معنا که در واقع یکی از این دو دلیل از شارع مقدس صادر شده نه هردوتای آنها.

اما تزامم عبارت از تنافی آن دو در مقام امثال هست و هردو دلیل ملاک دارد و از معصوم صادر شده است.

اما در رابطه به تعارض و تزامم این دو مفهوم و ابزار استنباط، باید عرض شود که طبق نظر علمای اصولی، مانند مرحوم علامه حلی، از قدما و مانند میرزای نایینی از متأخرین، اصول عملیه به محرزه و غیر محرزه تقسیم می‌شود. و مراد از محرزه بودن هم عبارت از احراز واقع و کشف آن هست و دلیل این امر هم این است که بعضی از اصول جهت و یا به تعبیر دیگر جنبه کشف از واقع دارد ولو کشف ضعیف، فلذا ممکن است ادله حجیت این گونه از اصول با ادله حجیت امارات تعارض نماید در مقام جعل و یا تزامم نماید در مقام امثال.

إنَّ الأصول العملية تنقسم إلى: أصول محرزة. و أصول غير محرزة، و المراد من الإحراز، هو إحراز الواقع و الكشف عنه، و ذلك لأنَّ بعض الأصول فيه جهة كشف عن الواقع، كشفاً ضعيفاً (علامه حلی، ۱۴۲۵).

اما دلایل تقدم اماره بر اصول عملیه را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

۱. ظرف صدور اماره و اصول عملیه

اماره به عنوان یک حجت شرعی یا عقلایی بر اساس شواهد و قرائن تنظیم می‌شود و ناظر به کشف واقع هست، درحالی که اصول عملیه (مانند استصحاب، برائت، احتیاط و تخییر) تنها برای رفع حیرت و تعیین وظیفه عملی مکلف در شرایط شک و فقدان دلیل بر واقع هست. بنابراین، اماره در مرتبه بالاتر از اصول عملیه قرار می‌گیرد (خویی، ۱۴۱۲).

۲. نقش کاشفیت در اماره

امارات از آن جهت که نوعی کاشفیت (ولو ظنی) از واقع دارند، جایگزین دلیل قطعی می‌شود و وظیفه مکلف را مطابق واقع تعیین می‌کند. اما اصول عملیه تنها وظیفه عملی مکلف را بدون توجه به واقع مشخص می‌کند. لذا اماره بر اصول عملیه مقدم می‌شود، چرا که اصول عملیه در فرض عدم وجود دلیل معتبر (اعم از قطعی یا ظنی) جاری می‌شود (انصاری، ۱۳۷۳).

۳. دلیل عقلی تقدم اماره

عقل حکم می‌کند که در صورت وجود دلیل ظنی معتبر (اماره) رجوع به اصول عملیه، که تنها کارکرد عملی دارند، خلاف روش عقلایی است. بنابراین، اصول عملیه تنها در غیاب امارات جاری می‌شود (مظفر، ۱۳۸۶).

۴. نصوص شرعی و امضای شارع

از منظر شرعی، نصوصی وجود دارد که حجیت امارات را امضا کرده و به تقدم آنها دلالت دارد. به عنوان مثال، ادله‌ای که بر حجیت خبر واحد دلالت دارد، نشان می‌دهد که اماره بر اصول عملیه مقدم است، چرا که شارع خود، این روش را تأیید کرده است (شیخ طوسی، ۱۴۱۷).

۵. قاعده تقدم دلیل اجتهادی بر دلیل فقهی

اماره در زمره ادله اجتهادیه قرار می‌گیرد، چرا که وظیفه مکلف را از طریق ظن معتبر مشخص

می‌کند. در مقابل، اصول عملیه در زمره ادله فقهائیه هست و تنها در غیاب ادله اجتهادیه به کار می‌رود. این قاعده عقلاً و شرعاً دلالت بر تقدم امارات بر اصول عملیه دارد (خویی، ۱۴۱۲). در نتیجه تقدم امارات بر اصول عملیه به دلیل کشف واقع، حجیت و اعتبار شرعی اماره و اینکه امارات مفید ظن نوعی هست که از نظر شارع برای کشف واقع و احکام شرعی واقعی، حجیت دارد و اینکه، در مقابل نقش تکمیلی اصول عملیه در موارد فقدان دلیل است. و اینکه اصول عملیه تنها در مواردی اعمال می‌شود که هیچ‌گونه اماره‌ای وجود نداشته باشد؛ زیرا اگر اماره‌ای وجود داشته باشد، نوبت به اصول عملیه نمی‌رسد (نائینی، ۱۳۷۶: ۳). فلذا این تقدم هم عقلایی و هم شرعی بوده و به وضوح در آثار اصولیون تثبیت شده است.

جمع‌بندی چالش‌ها

چالش‌های امارات و اصول عملیه نشان می‌دهد که استفاده از این ابزارها نیازمند دقت بالا و تسلط بر مبانی اصول فقه است. این چالش‌ها زمینه‌ساز رشد و پویایی علم اصول فقه شده و موجب طرح دیدگاه‌های مختلف در میان علما شده است.

جمع‌بندی و پیشنهادهای پژوهشی

این مقاله نشان داد که امارات و اصول عملیه هر دو ابزارهایی مکمل در علم اصول فقه هستند اما کاربرد و ماهیت آن‌ها تفاوت‌های اساسی دارد. امارات برای کشف واقع و اصول عملیه برای تعیین وظیفه مکلف در شرایط شک طراحی شده‌اند.

برای پژوهش‌های آینده بررسی تعامل این دو مفهوم در مسائل معاصر فقهی، مانند احکام جدید در موضوعات پزشکی یا فناوری، می‌تواند به تکمیل مباحث اصول فقه کمک کند.

نتیجه

امارات و اصول عملیه به عنوان دو ابزار اساسی در علم اصول فقه نقش‌های متفاوتی در فرایند اجتهاد ایفا نموده و هر دو نقش حیاتی در فرایند استنباط احکام شرعی دارند. درک تفاوت‌های مفهومی و کاربردی این دو مفهوم، برای هر فقیه یا محقق در این حوزه ضروری است.

امارات به دلیل ارتباط با واقعیت و کمک به کشف حکم واقعی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هست و در صورت وجود، بر اصول عملیه مقدم می‌شود. از سوی دیگر، اصول عملیه به عنوان ابزارهایی برای تعیین تکلیف و وظیفه مکلف در شرایط شک و فقدان دلیل، کارآمد هستند. تفاوت‌های ماهوی و کاربردی این دو ابزار نشان می‌دهد که علم اصول فقه یک نظام منسجم و هدفمند برای پاسخ‌گویی به نیازهای مکلفین هست. در نهایت، درک صحیح این مفاهیم و کاربرد دقیق آن‌ها، به فقیه کمک می‌کند تا به اجتهادی دقیق و مستدل دست یابد. و همچنین این تفاوت‌ها به فقیه اجازه می‌دهد تا در شرایط مختلف، ابزار مناسب را انتخاب نموده و به نتیجه مطلوب برسد.

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که آگاهی از تفاوت‌های میان امارات و اصول عملیه، باعث ارتقای دقت در استنباط احکام شرعی شده و به بهبود فرایند اجتهاد کمک می‌کند. همچنین این تفاوت‌ها می‌تواند در توسعه و بهبود روش‌های استنباط احکام شرعی نقش مهمی ایفا نموده و از سردرگمی و اشتباه در فرایند اجتهاد جلوگیری نماید.

به طور کلی شناخت دقیق این تفاوت‌ها، برای درک بهتر مبانی فقهی و اجتهادی ضروری است و می‌تواند به ارتقای علوم اسلامی و فقهی کمک شایانی نماید.

کتابنامه

-
- ابن نجم، علاءالدین، معجم مصطلحات أصول الفقه، (مصحح)، عبدالحفیظ، هایل، ریاض، مكتبة الرشد ناشرون، چاپ اول، ۱۴۲۵.
- انصاری، مرتضی، فرائد الاصول، قم، دار العلم، چاپ سوم، ۱۳۷۳.
- آشتیانی، حسن، مبانی اصولی در فقه اسلامی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۵.
- بحرانی، یوسف، الحدائق الناضرة، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۰۶ق.
- بحرانی، یوسف، الدرر النجفیة فی شرح اصول الشیعة، قم، انتشارات دار القرآن، ۱۴۰۶ق.
- حائری، عبدالکریم، بدائع الافکار، فی علم الاصول، قم، مؤسسه نشر اندیشه اسلامی، ۱۴۲۰ق.
- حسینی محمد، معجم المصطلحات الأصولیة، بیروت، مؤسسة العارف للطبوعات، ۱۴۱۵ق.
- حلی، علامه حسن بن یوسف، نهاية الوصول إلى علم الأصول، محقق: بهادری، ابراهیم، مؤسسه الإمام الصادق علیه السلام، قم، ۱۴۲۵ق.
- خراسانی، محمدکاظم، کفاية الاصول، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۶ق.
- خمینی، روح الله، تهذیب الاصول، قم، دفتر نشر اسلامی، ۱۴۰۹ق.
- خونی، سید ابوالقاسم، مصباح الاصول، قم، انتشارات دفتر تبلیغات، ۱۴۱۳ق.
- دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- زرین کوب، عبدالحسین، سرنی، تهران امیر کبیر، ۱۳۷۸.
- سبحانی، جعفر، اصول الفقه الاسلامی، قم، مؤسسه امام صادق، ۱۴۲۲ق.
- صدر، محمدباقر، بحوث فی علم الاصول، نجف، دار الفکر، ۱۴۰۴ق.
- _____، دروس فی علم الاصول، قم، انتشارات الهادی، ۱۳۹۸ق.
- _____، الفتاوی الواضحة، قم، انتشارات الهادی، ۱۳۹۸ق.
- عثمان محمود حامد، القاموس المبین فی اصطلاحات الأصولیین، ریاض، دار الزاحم، ۱۴۲۳ق.
- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، تهران، نشر میزان ۱۳۸۶.
- گالیه، گالینو، گفتگو درباره دو دانش جدید، ۱۶۲۳.

- مشکینی، علی، اصطلاحات الاصول، قم، انتشارات حکمت، چاپ دوم، ۱۳۴۸.
- مطهری، مرتضی، فلسفه و منطق، تهران، صدرا، ۱۳۶۵.
- مظفر، محمدرضا، اصول الفقه، نجف، دارالکتب، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ق.
- ملکی اصفهانی مجتبی، فرهنگ اصطلاحات اصول، قم، عالمه، ۱۳۷۹.
- مولوی، جلال‌الدین، مثنوی معنوی، تصحیح نیکلسون، ۱۳۸۱.
- نصیری، محمد مهدی، فقه و اصول تطبیقی، قم، انتشارات کتاب آفتاب، ۱۳۹۰.
- ولایی عیسی، فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول، تهران - ایران: نشر نی، ۱۳۸۶، چاپ پنجم، ۱۳۸۶.

Differences Between Indications (Amārāt) and Practical Principles (Usūl ‘Amaliyya), Their Applications, and Challenges ¹

²Mohammad Isa Danish

Abstract

In the science of Islamic legal theory (Usul al-Fiqh), the concepts of indications (amārāt) and practical principles (usūl ‘amaliyya) serve as essential tools in the process of deriving religious rulings. Although these two concepts may appear similar in their application, they possess fundamental differences in their nature and usage. Indications are conjectural signs used to establish facts or religious rulings, whereas practical principles are rules applied in situations of doubt or uncertainty to determine the religious obligation of an individual. This article aims to provide a detailed examination of the differences between these two concepts by first defining and explaining each, followed by a precise comparison based on jurisprudential and legal theory sources. The study analyzes the foundations and functions of each concept, exploring their theoretical and practical differences, the perspectives of various scholars, and the challenges associated with them. The findings of this article demonstrate that each concept plays a distinct role in the derivation and application of religious rulings. Indications are employed to establish facts and jurisprudential rulings, while practical principles are used to resolve doubts and uncertainties in religious rulings. These differences are determined based on specific jurisprudential conditions and issue-oriented approaches in Islamic jurisprudence. The research also emphasizes the significance of each concept’s role within the jurisprudential system and seeks to provide a comprehensive overview of their interaction in the process of ijtihad (independent reasoning).

Keywords: Principle, Indications, Practical Principles, Certainty, Apparent Ruling, Derivation of Rulings

¹. Date of Receipt: 20/11/1403, Date of Approval: 12/12/1403

². Graduate of Level Four, Higher Institute of Jurisprudence - Al-Mustafa International University
mohammadissadanesh6@gmail.com

An Analytical-Critical Review of the Approaches of Muhaqqiq Na'ini and Muhaqqiq Khu'i on the Authoritativeness of the Presumption of Continuity of Eternal Non-Existence¹

² Hassan Alikhani

Abstract

The principle of *istiṣḥāb* (presumption of continuity), based on what is presumed, is divided into two types: existential (*wujūdi*) and non-existential (*ʿadami*). The presumption of continuity of eternal non-existence (*istiṣḥāb ʿadam azalī*) is a type of non-existential *istiṣḥāb*, and there is disagreement regarding its authoritativeness. Muhaqqiq Na'ini is among those who deny its authoritativeness, while Muhaqqiq Khu'i supports its authoritativeness. The purpose of this study is to examine the approaches of these two scholars of Islamic legal theory (*Usul al-Fiqh*) concerning the authoritativeness of this type of *istiṣḥāb* and to critically analyze their positions. The benefit of this examination lies in determining the permissibility or impermissibility of applying this practical principle by a jurist in deriving jurisprudential rulings. Muhaqqiq Na'ini considers this practical principle lacking in authoritativeness based on two objections, the origin of which lies in comparing existential attributes (*a'rāḍ wujūdi*) to non-existential attributes (*a'rāḍ ʿadami*). In contrast, Muhaqqiq Khu'i, deeming this comparison invalid, supports the authoritativeness of this practical principle. The author of this study, by critiquing both perspectives, establishes the absolute lack of authoritativeness of this practical principle, relying on arguments distinct from those of Muhaqqiq Na'ini. The data presented in this study were collected through library research, referencing the works on legal theory by these two scholars. In this research, after explaining the meaning of *istiṣḥāb* in linguistic and technical terms and the existing opinions on its authoritativeness, the claims and arguments of these two scholars are clarified and subsequently critiqued.

Keywords Existential and Non-Existential Attributes, Positive Principle, Reliance on General Rulings in Cases of Specific Uncertainty, Existential and Predicative Non-Existence

¹. Date of Receipt: 25/12/1404, Date of Approval: 15/4/1404

². Seminary Student, Level Three, Qom Seminary, Imam Kazim (AS) Specialized School of Jurisprudence (mwmn81134@gmail.com)